



## پرونده «زیرمیزی پزشکان» زیر ذره‌بین

رئیس هیئت‌مدیره انجمن علمی اخلاق پزشکی ایران، از ورود کمیسیون اخلاق پزشکی در پرونده‌های زیرمیزی پزشکان خبر داد. سعیدبیرویدان درباره گرفتن زیرمیزی به‌صورت دلار یا سکه توسط پزشک از بیمار به ایلنا گفت: «یکی از بندهای راهنمای اخلاق حرفه‌ای نظام پزشکی که مصوب شورایی نظام پزشکی است، موضوع دریافت تعرفه‌ها براساس تعرفه‌های قانونی است. همانطور که سازمان نظام پزشکی در ارتباط با حقوق جامعه پزشکی پیگیر است که تعرفه‌ها تا حد ممکن واقعی و عادلانه باشد و حداقل نیازهای جامعه پزشکی تامین شود، به دریافت تعرفه بیش از حد قانونی نیز ورود می‌کند.» او ادامه داد: «اگر تعرفه بیش از حد قانونی یا وجهی تحت‌عنوان زیرمیزی از بیمار نیز دریافت شود، طبیعتاً از تخلفات انتظامی است و قطعاً در سازمان نظام پزشکی قابل بررسی است. اگر پرونده‌ای در این زمینه در سازمان نظام پزشکی تشکیل شود و معاونت انتظامی و هیئت‌های انتظامی صلاح بدانند، کمیسیون اخلاق به این موضوع ورود می‌کند.»



## خلع ید مالکان غیر مجاز پلاک‌های قرمز

نخستین جلسه فرارگاه اجتماعی در منطقه ۱۲ با عنوان «طرح مراقبت اجتماعی محلات»، به منظور پیگیری مسائل اجتماعی سطح محلات ۱۴ گانه، با استفاده از ظرفیت‌های برون و درون سازمانی، شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی برگزار شد. به گزارش سایت شهر، وحیدرضا انارکی محمدی، شهردار منطقه ۱۲ با اشاره به تملک املاک در برخی محلات مانند هرنندی با نازل‌ترین قیمت توسط جمعی از افراد سودجو و اجاره آن‌ها به افراد بزهدار اجتماعی و ایجاد خانه‌های ناپیمن را از بزرگترین معضلات و آفت‌های منطقه عنوان کرد و از دستگاه‌های قضایی و امنیتی درخواست کرد تا با ورود به این قضیه، این افراد از مالکیت این املاک خلع‌ید شوند. او در ادامه با اشاره به ارائه تسهیلات ویژه معاونت شهرسازی منطقه در ارائه صدور پروانه برای احیای بافت فرسوده، از شهروندان نیز درخواست کرد تا برای حفظ اصالت و هویت محله‌شان نسبت به اجاره‌ملک خود به افرا، حساسیت بیشتری داشته باشند و از مهاجرت اتباع غیرایرانی و تراکم معناتان متجاهر و بزهدار جلوگیری کنند.



## یک‌ماه بیمه رایگان برای بی‌دهک‌ها

مدیرکل بیمه‌گری و جذب منابع بیمه سلامت گفت: «حق بیمه ۵ دهک اول جامعه توسط دولت تقبل و پرداخت می‌شود و افرادی که از گذشته نیز تعیین دهک نشده باشند، می‌توانند به‌مدت یک‌ماه بیمه رایگان دریافت کنند، تا جواب ارزیابی دهک آنها مشخص شود و اگر برای ماه آینده نیز هنوز نتیجه ارزیابی مشخص نشده بود، می‌توانند یک‌ماه دیگر از بیمه رایگان استفاده کنند.» به گزارش ایسنا، جمشید شایانفر که در یک برنامه رادیویی صحبت می‌کرد، ادامه داد: «تلاش شده با کم کردن حق بیمه و تسهیل شرایط، افراد فاقد بیمه بتوانند به‌راحتی بیمه شده و از مزایای آن برخوردار شوند. همچنین فرانشیزی که افراد پرداخت می‌کنند در مؤسسات طرف قرارداد برای خدمات سرپایی ۳۰ درصد و برای خدمات بستری ۱۰ درصد توسط بیمه‌شده پرداخت می‌شود.»

# طرد سالمندان به دلیل فقر

«هم‌میهن» در گزارشی به ماجرای رها کردن سالمندان در پارک‌ها، پاتوق‌های موادمخدر و مراکز بهزیستی پرداخت؛ فعالان اجتماعی و تعدادی از مسئولان می‌گویند که آمار «سرراهی»ها افزایش یافته است



عبدالله ایزد

فقر مهم‌ترین علت پدیده «سالمندان سرراهی» است؛ موضوعی که در کنار بالارفتن تعداد سالمندان در کشور، نگران‌کننده‌تر هم شده است و حالا به گفته حسام‌الدین علامه-رئیس سابق دبیرخانه شورای ملی سالمندی - به هم‌میهن: «هیچ قانونی برای حمایت از سالمندان وجود ندارد و سند تصویب شده در این زمینه نیز به‌دلیل همین نبود قانون قابل اجراییست.»

## آواره در حرم

«ثریا»، آذری زبان است و متولد یکی از شهرهای اردبیل، فارسی را متوجه می‌شود اما نمی‌تواند صحبت کند. تاریخ‌ها را درست به‌خاطر نمی‌آورد، سن و سالش را هم نمی‌داند اما از ظاهرش می‌توان حدس زد که ۶۰ تا ۶۵ سال بیشتر ندارد. حرف‌هایش را مددکار یکی از مراکز نگهداری از سالمندان بهزیستی برای هم‌میهن ترجمه می‌کند: «شوهر اولم فوت کرد، مرد خوبی بود. بچه‌ای نداشتم و تنها مانده بودم. یک‌بار دیگر ازدواج کردم. شوهر دوم من، از همشهری‌هایم اما ساکن قم بود. پسر شوهرم بزرگسال بود و زن و بچه داشت اما در زندگی‌ام دخالت می‌کرد. او راضی به ازدواج ما نبود.» آنطور که ثریا تعریف می‌کند، فرزند شوهرش آنقدر مخالفت و کارشکنی کرد و زیرپای پدر نشست که مدتی بعد، شوهر او را طلاق داد. این پایان، آغاز هاشدگی و بی‌پناهی ثریاست، زنی با به‌سن گذاشته که نه مال و پس انداز دارد، نه حامی و خانواده حمایت‌گری: «همان‌روز که طلاق گرفتم، پسر همسر مرا از خانه بیرون انداخت. تمام وسایلم هم در خانه ماند.» بعد از بیرون رانده شدن از خانه، مدتی در حرم حضرت معصومه سرگردان، روز را به شب می‌سازد که در این مدت، مدارک

## رئیس سابق دبیرخانه شورای ملی سالمندی:

**گروه مهمی از سالمندان رها شده که خانواده‌هایشان به دلیل فقر مالی، مشکلات معیشتی، نبود مسکن مناسب یا ابتلای سالمند به بیماری زمینه‌ای و نیاز به مراقبت‌های خاص، توانایی نگهداری از آنها را ندارند**



شادی مکی

خبرنگار گروه جامعه

رهاشدن سالمندان در خیابان‌ها و طرد آنها از خانواده، اتفاقی است که به گفته مسئولان سازمان بهزیستی، افزایش یافته؛ آنطور که محمد اسماعیلی‌محبوب، رئیس اداره ساماندهی آسیب‌های اجتماعی شهرداری تهران به هم‌میهن می‌گوید، از ابتدای سال تاکنون واحدهای این سازمان با حدود ۲۵ سالمند رها شده مواجه شده‌اند؛ عددی که البته تنها مربوط به پایتخت است و سایر شهرهای این استان و سایر مناطق کشور را در بر نمی‌گیرد. براساس تحلیل متخصصان اجتماعی، پدیده سالمندان سرراهی در شرایط افزایش فقر و نابرابری‌های اجتماعی، دور از ذهن نیست. ماجرا اما تنها به سالمندان سرراهی ختم نمی‌شود. پدیده رها کردن مجهول‌الهو به‌ها اما موضوع دیگری است که به گفته مسئولان، آمارش بالا رفته است. پیش از این فاطمه عباسی، معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور، گفته بود: «آمار افراد مجهول‌الهو به افزایش داشته است. بیشتر افراد مجهول‌الهو به‌یارها شده، سالمند یا بیمار روان هستند که در خیابان‌ها می‌شوند. برخی از خانواده‌ها که دیگر توان نگهداری این افراد را ندارند، آنها را در خیابان‌ها می‌کنند.» مدیرکل دفتر امور مراکز توانبخشی و مراقبتی سازمان بهزیستی کشور هم از اقامت سه هزار و ۸۶۲ سالمند مجهول‌الهو به دست‌نخورده قضایی در مراکز شبانه‌روزی سالمندان خبر داده. حالا به گفته کارشناسان این حوزه،

هویتی‌اش را هم گم کرد تا اینکه یکی از خادمان حرم، او را شناسایی و به بهزیستی معرفی کرد. هم‌میهن‌ها به یاد می‌آورد که عید قربان سال گذشته توسط سازمان بهزیستی به یکی از مراکز سالمندان استان تهران معرفی شد، تا ایستگاه آخر زندگی را در تنهایی، میان افرادی سپری کند که بسیاری از آنها حتی زبان او را نمی‌دانند.

«حسین» هم یکی دیگر از سالمندان طرد شده از خانواده است که با ۶۶ سال سن، در یکی از مراکز سالمندان زندگی می‌کند. او به هم‌میهن می‌گوید که خواهر و برادرانش حاضر به نگهداری از او نشده‌اند: «من و خواهرم رفتم پیش قاضی، قاضی نامه داد و من به این مرکز آمدم. حالا ۳ سال است که در این مرکز زندگی می‌کنم.»

## چند روایت از طرد

سپیده علیزاده، یکی از فعالان حوزه آسیب‌های اجتماعی است که روایت‌هایی از مواجهه‌اش با سالمندان رها شده را برای هم‌میهن شرح می‌دهد. او ماجرای زن سالمندی را روایت می‌کند که با بیش از ۶۵ سال سن مجبور است در ازای سرپناه، از سالمندی مسن‌تر از خودش پرستاری کند: «پسر فاطمه، معتاد به شیشه بود. او خانه مادرش را تصاحب کرده و اجازه نمی‌داد که او وارد خانه‌اش شود. زن سالمند هم با توجه به توهمات پسرش که البته ناشی از مصرف شیشه بود، از جانش می‌ترسید به‌همین دلیل جرأت اصرار برای بازگشت به خانه را نداشت.» فاطمه، بی‌سرپناه ماند تا اینکه به پیشنهاد یکی از آشنایان، پذیرفت در ازای سرپناه، از سالمندی ۱۵-۱۰ سال بزرگ‌تر از خودش مراقبت کند. علیزاده می‌گوید که فاطمه تنها اجازه داشت در خانه زندگی کند. در مقابل نگهداری از سالمند، پولی به او داده نمی‌شد. اما این تنها روایت علیزاده نیست. او به وضعیت زندگی مردی سالمند هم اشاره می‌کند که مدتی پیش در یکی از پاتوق‌های مصرف موادمخدر، رها شده بود: «این مرد حدوداً ۶۵ ساله بود و بدون داشتن اعتبار، در چنین شرایطی زندگی می‌کرد. او مدعی بود در گذشته، حسابدار بوده و البته از اطلاعاتی که داشت، حدس می‌زدیم حرف‌هایش نادرست یا ناشی از توهم یا بیماری نیست. باین‌حال مرد سالمند به لحاظ ذهنی، کمی آشفته بود و برای داشتن یک زندگی طبیعی نیاز به خدمات روانپزشک داشت که البته برایش فراهم نبود. او به‌دلیل همین آشفته‌حالی و دردهای ناشی از آن، به‌نوعی از خانواده طرد و کارتن خواب شده بود، یعنی خانواده قادر به نگهداری از او نبود.»

این فعال اجتماعی همچنین ماجرای پیرزنی را روایت می‌کند که دو، سه سال پیش توسط خانواده‌اش در پارک شوش رها و توسط سایر زنان کارتن خواب مستقر در پارک به مرکز کاهش آسیبی که او مدیریتش را بر عهده داشت، منتقل می‌شود: «پیرزن به‌شدت کم‌توان بود. بدون عصا قادر به حرکت نبود و به‌دلیل شدت کهولت‌سن، بدنش می‌لرزید. این زن سالمند را فرزندانش به عروسی برده و در مسیر بازگشت، شبانه او را در پارک رها کرده بودند.» فرزندان به مادر سالخورده‌شان گفته بودند، همان‌جا در پارک منتظرشان بماند. پیرزن هم ساعت‌ها در همان نقطه در انتظار بازگشت فرزندانش می‌نشاند تا اینکه، در مرکز کاهش آسیب ماندگار می‌شود. به گفته علیزاده، زن سالمند ماه‌ها چشم‌انداز به در خشکید، به امید اینکه فرزندان بیایند و او را به خانه بازگردانند: «چند وقت بعد، زن جوانی به مرکز مراجعه کرد و سراغ زن سالمند را گرفت. مشخص شد که زن، عروس خانواده است و قصد دارد از شرایط مادر همسرش باخبر شود. زن گریه می‌کرد و قسم می‌خورد که دیگر توان نگهداری مادر سالخورده خانواده را نداشته‌اند. علیزاده سرنوشت زن سالمند را تا تابستان ۱۴۰۰ که مدیریت مرکز کاهش آسیب پارک شوش را بر عهده داشت دنبال کرد اما بعد از آن، دیگر از او خبری ندارد.

## خلأ مددکاری در کشور

علیزاده در طول دوران کار، با مواردی از رها کردن سالمندان مواجه بوده و می‌گوید: «تا پیش از شیوع کرونا، به این اندازه با پدیده رها کردن سالمندان مواجه نبودیم. در دوره مدیریت مرکز کاهش آسیب پارک شوش، با سالمندانی مواجه شدم که به‌دلیل مختلف، رها شده و بی‌سرپناه بودند. این افراد به‌تنهایی قادر به زندگی نبودند و نیاز به مراقبت داشتند. این در حالی بود که مرکز ما برای نگهداری از سالمندان مناسب‌سازی نشده بود. این گروه از سالمندان معمولاً تجربه‌ای از کارتن‌خوابی نداشتند و به‌دلیل شرایط خاص، در خیابان رها شده بودند.» به گفته علیزاده که روانشناس هم است، سالمندانی که در این شرایط قرار می‌گیرند و در مراکز آسایش‌گر مخانه‌ها پذیرش می‌شوند به چند دلیل آزر می‌بینند: اول اینکه این افراد، تجربه زندگی گروهی در میان آسیب‌دیدگان اجتماعی را نداشته‌اند و اغلب دارای خانه و خانواده بوده‌اند. آنها از بی‌په‌ری اطرافیان خود به‌شدت سرخورده شده‌اند، زندگی در گر مخانه‌ها برای زندگی و شرایط خاص سالمندان مناسب‌سازی نشده، مثلاً ماندن در صف برای استفاده از حمام و دردهای خاص آن برای سالمندان بسیار سخت است. او می‌گوید که زندگی در پاتوق معتادان یا گر مخانه‌ها با آلودگی و شرایط مناسبی همراه است که سالمندان قادر به تحمل آن نیستند. چنین شرایطی به‌سرعت سالمندان را از پای در می‌آورد: «این افراد به‌جای عزت و احترامی که باید در دوران سالمندی از آن برخوردار باشند، با شرایط ناگواری مواجه می‌شوند و مسیر نابودی را به‌سرعت طی می‌کنند. مهم‌ترین مسئله در این مسیر، خلأ مددکاری است. مادر کشورمان سیستم مددکاری و حمایتی قوی نداریم. در حالی که جامعه ما رو به سالمندی می‌رود، اما هنوز در رشته‌های مددکاری و روانشناسی، آموزش‌های لازم در حوزه سالمندی داده نمی‌شود و حوزه‌های مغفول مانده است. از طرف دیگر سیستم روانشناسی و مددکاری در کشور ما رایگان نیست و این مسئله مشکل‌آفرین است.»

## روند افزایشی سالمندان رها شده

«مسکن و معیشت دو عامل مهم رهاشدگی سالمندان به شمار می‌روند، بنابراین طبق الگوهای شکل‌گیری سالمندان رها شده،